

ورود ترکان سلجوقی، نشانه‌ی عصر جدیدی از تاریخ ایران است. سلسه سلجوقیان قبیله‌ای از ترک‌های اوغر بودند که به نام رهبر خود، سلجوق نامیده شدند. نخستین اطلاع از آن‌ها، مربوط به نیمه‌ی دوم قرن دهم است که در بخش سفلای رودخانه‌ی سیر دریا در آسیای مرکزی و دقیقاً در سرحدات دارالاسلام زندگی می‌کردند. مقارن با همین ایام بود که در تبت تیجه‌های تبلیغی صوفیان سیاحت‌گر، به اسلام گرویدند. این قبیل صوفیان، نوعی آیین عرفانی شخصی و عاطفی را تبلیغ می‌کردند. (امورگان، ۱۳۷۳، ص ۳۶)

ماهیت حركت غزانی که سلجوقیان رهبر آن‌ها بودند، در حد یک کوچ ایلیاتی کوچک بود. دقاق، جد اعلای خاندان سلجوقی و فرزند او سلجوق، گوپا در آغاز در خدمت بیفعو، خان ترکان قرقو بودند. اختلاف با بیفعو، باعث جدایی سلجوق از آن‌ها شد. سلجوق با خدم و حشم خود به جند فرار کرد. خاندان سلجوقی در سال‌های نخستین قرن پنجم هجری قمری در همان جا به اسلام گرویدند و مسلمان شدند. (المقتن، ۱۳۷۲، ص ۱۱)

دوره‌ای از نینگ‌های شدید بود؛ قحطی، طاعون، سختی، بی خبری، سخت‌کشی، از ویژگی‌های عادی این روزگار به شمار می‌رفت. اما از سوی دیگر، در این زمان، تمدن ایرانی به قلل پیشرفت‌های معنوی و مادی دست یافت. (المیتوون، ۱۳۶۳، ص ۱۰)

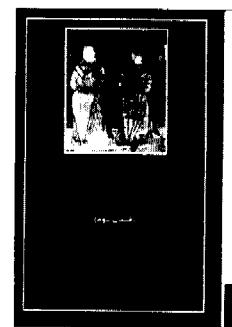
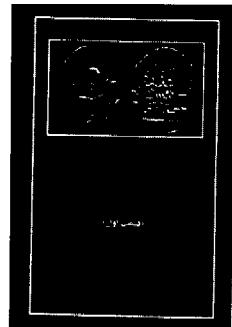
از نظر تاریخ‌نگاری، دوره‌ی سلجوقیان به رغم چند برسی مختصر و مفید، هنوز متنظر پژوهشگر و مورخ جامعه‌نگری است که نقش و سهم آن‌ها را در جهان اسلام مورد بررسی قرار دهد. (شیولو و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۶۵)

کتاب تاریخ ایران کمپریج (جلد پنجم) دارای نکات قوت بسیاری در مورد تاریخ سلجوقیان است. این کتاب در دو مجلد به چاپ رسیده است. قسمت اول آن به تاریخ سلجوقیان و قسمت دوم آن به تاریخ مغولان می‌پردازد. قسمت اول کتاب، شامل مقدمه‌ی مترجم، دو بخش، فهرست اعلام و کتابنامه است. مترجم در مقدمه عنوان می‌کند که دوره‌ی سلجوقی بعد از یک مرحله جنگ‌های دودمانی و برخورد با حکومت‌های محلی، یک حکومت نسبتاً متمرکز پدید آورد، حکومتی که از یک طرف، سو، ثمره‌ی یکه‌تازی ایشان بود و از سوی دیگر، حاصل مماثلات با دستگاه خلافت در

# فراز و فرود

# سلحو قیان و ادلخانان

## محمد حسن نیا



## تاریخ ایران کمبریج، جلد پنجم (قسمت اول) سلجوقیان، (قسمت دوم) مغولان

ویراستار: جی. اے. بویل

مترجم: دکتر تیمور قادری

ناشر: تهران، انتشارات مهر

ناشر: تهران، انتشارات مهتاب، دوره‌ی دو جلدی، چاپ اول، ۱۴۸۹، ۴۲۲

سلطنت رسیدن او و مناسباتش با خلافت بغداد، عنوان می‌کند که فعالیت در شرق و بالاتر از همه پیروزی در ملازگرد، الپارسلان را در نظر آیندگان به عنوان یک مسلمان قهرمان جلوه داد. نظام‌الملک و اوج شکوفایی امپراتوری بزرگ سلجوقی، از دیگر مباحث مهم این بخش از کتاب است. دستاورد ملکشاه کاملاً یک موقیت شخصی بود، در حقیقت کمک نظام‌الملک به این امر، به مراتب از نقش سرور وی در این روند مؤثرتر بود، در حالی که در سال‌های قبل از ۴۶۵ق.م. نظام‌الملک به مردان فرهیخته و

باتجریهای هم‌جون چفری بیگ و الپارسلان خدمت کرده بود. مؤلف در ادامه به صورت مفصل به نقش خواجه نظام‌الملک در دربار سلجوقیان و اقدامات سیاسی و فرهنگی او، از جمله تأسیس مدارس نظامیه می‌پردازد و به رقابت‌های سیاسی در دربار ملکشاه و رقبای خواجه نظام‌الملک، بهویژه تاج‌الملک اشاراتی دارد. وی پس از توضیح چگونگی قدرت‌گیری خواجه نظام‌الملک و گسترش قدرت او به کمک فرزندانش و نقش زنان دربار در کاهش قدرت خواجه نظام‌الملک، عنوان می‌کند که ما اطلاعات مستقیم اندکی در رابطه با شرایط اقتصادی ایران در این زمان داریم.

و قایع دوران سلطنت ملکشاه، هفتمنی مبحث مطرح شده در این فصل از کتاب است. نویسنده در ابتدای این مبحث عنوان می‌کند که حواتت سیاسی و نظامی دوران ملکشاه تحت سه عنوان قابل بررسی است: اول؛ تقابل خردکننده از سوی اعضاي جاه طلب خاندان سلجوقی، دوم؛ دست کم گرفتن دشمنان خارجی در شرق و مزدهای شمال غربی ایران، و سوم؛ روابط با دستگاه خلافت و بسط قدرت سلجوقی در سوریه و شبه‌جزیره عربستان. در ادامه نویسنده به کشمکش‌های قدرت در ابتدای روی کار آمدن ملکشاه و چگونگی غالب شدن ملکشاه بر رقایش می‌پردازد. نفوذ سلجوقیان در دوران سلطنت ملکشاه تا شبه‌جزیره عربستان کشیده شد و معمانعت از ورود خلفای عباسی به امور دنیوی در عراق، در طول سلطنت ملکشاه نیز ادامه یافت. در بیشتر دوران حکومت ملکشاه، دست نظام‌الملک در شکل دهنده سیاست سلجوقیان در قبال دستگاه خلافت، باز بود. طی دو یا سه سال آخر دوران حکومت ملکشاه، نازارمایهای رخ داد که نشان داد، امپراتوری شکوهمند وی چندان هم آسیب‌ناپذیر نیست.

اولین نشانه‌های زوال حکومت سلجوقی در دوره‌ی برکیارق و محمد بن ملکشاه، از دیگر فصول این بخش از کتاب است. در این مبحث، نویسنده به صورت مفصل درگیری‌های محمد بن ملکشاه و برکیارق را شرح می‌دهد. این درگیری‌ها سرانجام با مرگ برکیارق در سال ۴۹۸ق.م. خاتمه پیدا کرد.

نهمین مبحث این بخش، به سلطنت سلجوقیان در غرب، در دوران پسران

بغداد محسوب می‌شد.

بخش اول کتاب مربوط به تاریخ سیاسی و دو دمایی جهان ایرانی است که سی. ای. باسوروث، استاد مطالعات عربی دانشگاه منچستر آن را تألیف کرده است. این بخش شامل چهارده قسمت است و مبحث اول آن، به جهان ایران شرقی در آستانه‌ی حملات ترکان می‌پردازد. مؤلف در این مبحث به چگونگی آمدن ترکان به ایران و روند مهاجرت و دلایل آن می‌پردازد. از شاخه‌های مختلف قبایل ترک و سکونت‌گاه‌های آن‌ها نام می‌برد و عنوان می‌کند که نخستین گروه از این فرمانروایان، ترکان سلجوقی بودند که در

نیمه‌ی اول سده‌ی یازدهم میلادی در جهان ایرانی ظاهر شدند. در دو مین مبحث این بخش، نویسنده به طور مفصل به چگونگی آمدن غزنویان به خراسان، رقابت‌های غزنویان با سلجوقیان بهویژه در زمان سلطان مسعود غزنوی، اصل و نسب سلجوقیان، نقش خراسان در پیشرفت کار غزنویان و سلجوقیان و کنار آمدن حکومت‌گران ترک با تمدن ایرانی می‌پردازد.

سومین مبحث این بخش، در مورد غرب و مرکز ایران در سده‌ی یازدهم میلادی است. پس از تصرف شرق، به خاطر موفقیت در دندانقان، راه تهاجم به سرزمین‌های غربی برای سلجوقیان باز شد. مؤلف در ادامه، بافت سیاسی ایران را همزمان با ورود سلجوقیان مورد بحث قرار می‌دهد و به سلسله‌های محلی ایران از جمله آل زیار و آل بویه اشاره می‌کند.

کشمکش طغول با بوئیان و تحکیم فتوحات شرقی، از دیگر مباحث مهم این کتاب است. محتمل نیست که سلاطین سلجوقی، طغول و الپارسلان رسالت خوبیش را در غرب تماماً در حمله و تهاجم علیه بیزانس، ارمنستان و گرجستان مسیحی دیده و خلاصه کرده باشند. بیش ترین علاوه‌ی این‌ها در ابتداء، اشغال و اعمال کنترل مستقیم بر سرزمین ثروتمند و متمول ایران قدیم بود، یعنی خراسان، جibal و فارس. دوم آن که آن‌ها می‌خواستند عراق را به عنوان سد نفوذ‌ناپذیری در مقابل فاطمیان و وابستگانشان، در سوریه و الجزیره نگاه دارند. نویسنده در این بحث از مناسبات حسنی طغول با عمال الدین کالیجار سخن می‌گوید که منابع دیگر کمتر به آن اشاره دارند. وی عنوان می‌کند که طغول و عمال الدین ابوکالیجار رهبر خوزستان و فارس، به یک توافق رسیدند: حاکم سلجوقی از رفن ابراهیم بنیال به قلمروی بویهان در لرستان و فارس جلوگیری کرد و با یکی از دختران ابوکالیجار ازدواج کرد، در مقابل، پسر حاکم بویهای که فولادستون نام داشت نیز با یکی از دختران چغی ازدواج کرد. مناسبات سلجوقیان با خلافت بغداد و مقابله‌ی طغول با اقدامات بساسیری از دیگر موارد بحث شده در این بخش است.

در قسمت پنجم، مؤلف پس از پرداختن به اقدامات الپارسلان و چگونگی به

**دوره‌ی سلجوقی بعد از یک مرحله جنگ‌های دویمانی و  
برخورد با حکومت‌های محلی، یک حکومت نسبتاً متمرکز  
پدید آورد. حکومتی که از یک طرف، سوء‌تمریزی یکه تازی  
ایشان بود و از سوی دیگر، حاصل مماشات با دستگاه  
خلافت در بغداد محسوب می‌شد**

محمد بن ملکشاه اختصاص دارد. محمد در سال ۵۱۱ ق درگذشت. در اوخر بیماری خود، پسرش محمود را به عنوان جانشین معرفی کرد. محمود به مدت چهارده سال با عنوان احترام‌آمیز «منیث‌الدین و الدین» حکم راند. عدالت و بخشش محمود و برتری اش به عنوان عالم زبان عربی، در منابع ستوده می‌شود. گفته شده او به چنان سطحی از سواد دست یافته بود که در میان سلجوقیان غیرمعمول بود. در ادامه، نویسنده به مناسبات سلطان محمود با خلافت بغداد می‌پردازد.

سلطنت سنجور در شرق و ظهور خوارزمشاهیان و قراختاییان، دهمین مبحث این بخش از کتاب است. همای بخت و اقبال ایالات شرق امپراتوری سلجوقی، بیش از پنجاه سال بر دوش ابوالحارث احمد سنجور بن ملکشاه نشسته بود. یکی از مهم‌ترین مشکلات سنجور، کنترل صحراء‌گردان دامدار بود که از زمان تهاجم سلجوقیان در یک ربع قرن پیش، به عنصری بر جسته در جمعیت‌شناسی و اقتصاد خراسان تبدیل شده بودند. این ترکمانان در اوخر حکومت سنجور به جهت فشار ناشی از جابه‌جایی نژادی در دشت قبچاق، و هم به سبب قدرت فزاینده‌ی قراختایی‌ها در مواراء‌النهر رو به فروتنی گذاشتند. مناسبات سلطان سنجور با غزها و اسارت او به دست غزان، از دیگر مطالب ارائه شده در این مبحث است.

یازدهمین مبحث، به حواشی شرقی جهان ایرانی: پایان کار غزنیان و ظهور ناگهانی غوریان می‌پردازد. منزعه بر سر جانشینی میان ارسلان شاه و برادر دیگرش بهرامشاه، زمینه دخالت سنجور و اعلام قیومیت سلجوق بر سراسر امپراتوری غزنی را فراهم ساخت. شاخه‌ی اصلی خاندان غور در قرن دوازدهم میلادی در فیروزکوه تأسیس شد. با سقوط غزنیان، اقبال غوریان بلند شد؛ با علاء‌الدین حسین بن عزالدین حسین، غوریان از محدوده خود فراتر رفتند و میراث‌دار غزنیان شدند.

در ادامه‌ی مبحث، مؤلف به فراز و فرود غوریان و مناسبات آن‌ها با ممالک همجوار و همچنین روابط آن‌ها با خلافت بغداد می‌پردازد. دوره‌ی غوریان در تاریخ ایران شرقی، فقط چند دهه به طول انجامید، اما دستاورد قابل توجهی برای روسای این گوشه‌ی دورافتاده‌ی افغانستان داشت.

دوازدهمین مبحث، در مورد آخرین دهه‌ها از حکومت سلجوقی در غرب است. چهل سال آخر حاکمیت سلجوقی بر عراق و غرب ایران، با سه جریان اصلی مشخص می‌شود: نخست این که نفوذ نظامی و سیاسی خلافت بغداد در حال افزایش بود. دوم، امرای ترک و اتابکان در ایالات مختلف امپراتوری سلجوقی در غرب قدرت خود را تحکیم کردند و در برخی موارد دودمان‌های موروثی تشکیل دادند. و سوم این که قدرت واقعی سلاطین سلجوقی که دودمانشان عمیقاً چار فروپاشی شده بود و به حمایت نظامی امیران ترک

هو لا كو با نابود ساختن دستگاه خلافت عباسی و حریفان  
اسماعیلی، فتوحات مغول را تأسیل می‌نمایند. گسترش  
داد و برای جانشینانش حکومتی باقی گذاشت که وسعت  
آن، بخش اعظمی از خاورمیانه‌ی امروزی را در بر می‌گرفت

## سلجوقيان والخانان

در تمام دوره‌ی حکومت ایلخانی، پیوسته دو تلاش  
متقابل و خستگی نایدیر از جانب حکومت و مردم مشاهده  
می‌شود: از یک سو، تلاش حکومت به منظور تحکیم هرچه  
بیشتر میانی قدرت و قبولاندن آن به اتباع ایرانی و از  
سوی دیگر تلاش مردم در جهت کمر راست کردن و تجدید  
حیات ملی و فرهنگی خویش

تخمين بودجه برای سپاه، تخمين مخارج سپاه سلجوقی، شیوه‌ی دادن  
اقطاع به نظامیان، واگذاری اقطاع به دیگر سران سلجوقی و نقش اتابکها  
در تربیت شاهزادگان سلجوقی، از دیگر مباحث این فصل از کتاب است که  
نویسنده به صورت تحلیلی و مفصل به آن‌ها پرداخته است.

در حکومت سلجوقی در اکثر موارد، گروههای قبیله‌ای مستقیماً تحت کنترل  
دولت مرکزی نبودند. به عنوان مثال، کردها و اعراب معمولاً به حاکمان  
محلي سپرده می‌شدند. بنابراین مسالمه کنترل مستقیم، مطرح نبود. همین  
امر در مورد بخش‌هایی از طبرستان نیز صدق می‌کند. شیانکارهای فارس  
نیز در بیش تر این دوران، تحت حکومت هیران خود بودند تا آن که به طور  
موقعت جاوی سقاووا انان را تحت کنترل درآورد. مهم‌ترین گروه قبیله‌ای از  
نظر تعداد نفوذ، قبیله‌ی ترکمان بود. اما به خاطر تعداد زیاد و روابط اولیه‌ی  
سلجوقيان با ایشان، کنترل آن‌ها مشکل بود.

روابط بین وزیران و سلاطین سلجوقی، وظایف وزیر در حکومت سلجوقی،  
انواع مالیات‌ها، فساد مالی در زمان محمد بن ملکشاه، پرداخت خراج  
حاکمان محلی به سلاطین سلجوقی، دیوان‌های تشکیل‌دهنده نظام  
اداری سلجوقیان، نقش وزیر در ارتباط با دیوان‌ها، روابط وزیر و امیران  
در امپراتوری سلجوقی، نظام قضاؤت، نقش محاسب، گروه عیاران، بافت  
شهری دوره‌ی سلجوقی و ترکیب جمعیتی شهرها در این دوره، و نقش بازار  
و اصناف در اقتصاد شهری دوره‌ی سلجوقی از دیگر مباحث این بخش  
است.

نویسنده در پایان این بخش عنوان می‌کند که در بررسی مختصراً ساختار  
دروني امپراتوری سلجوقی، کوشیده است نشان دهد که هیچ امر دینی یا  
دنیوی، خارج از توجه و دغدغه‌های سلطان نبوده و سلطان از طریق مقامات  
دیوان، مقطع‌ها و والیان، مقامات نهاد مذهبی، و مقامات محلی با همه‌ی  
جنبه‌های زندگی مردم تماس داشته است. اما در غیبت نظامی کارآمد برای  
کنترل مقامات دولت مرکزی، آن‌ها تمايل دایمی به عملکرد غیرعادلانه  
داشتند و به فرمانروایان کوچک مستبد تبدیل می‌شدند.

قسمت دوم جلد پنجم کتاب که در مجلدی جداگانه چاپ شده است، تاریخ  
مغولان را در بر می‌گیرد. و شامل دو بخش است که بخش اول آن در مورد  
تاریخ سیاسی و دودمانی ایلخانیان، تأليف جن. ا. بویل، استاد مطالعات فارسی،  
دانشگاه منجستر است. بخش دوم در مورد شرایط اجتماعی- اقتصادي  
ایران در زمان ایلخانیان، تأليف ا. پی. پتروفسکی، استاد تاریخ خاورمیانه و  
خاور نزدیک در دانشگاه لینینگراد می‌باشد.

تاریخ مغولان در ایران و سلسه‌ی ایلخانان از جمله مباحثی است که کتاب‌ها

اما نهادهای قدیمی تحت حکومت سلجوقیان معنای جدیدی گرفتند و  
پیشرفت‌هایی که در دوران پیش آغاز شده بود، شفافیت یافتند و عناصر  
جدید بالرزشی به میراث ایرانی افزوده شد.  
سلجوقيان جزئیات نظام جدید را تدوین نکردند، این مسئولیت عمدتاً بر  
عهده‌ی صاحب‌منصبان دستگاه دیوانی و نهاد مذهبی قرار داشت که اکثر  
آن‌ها ایرانی، و نه ترک بودند. اما از بعضی جهات، سلجوقیان مسئول حفظ  
محیطی بودند که نظام جدید در آن کار می‌کرد. در دوره‌ی سلجوقی،  
اندیشمندان و علماء، از جمله صوفیان، مورد اخترام بودند. بی‌عدالتی و ستم  
هم وجود داشت، اما بـه آن اندازه نبود که مردم احساس کنند غیرقابل  
تحمل است. معمولاً شورش داخلی چندانی رخ نمی‌داد، هر چند گسترش  
جنبش اسلام‌اعیلیه نشان می‌دهد یک ناراضیتی عظیم اجتماعی و نهضه‌ی  
وجود داشته است.

على رغم پراکندگی دارالاسلام، هنوز عملکرد دولت، دفاع از جامعه و  
سرزمین‌های اسلامی بود و هدف آن، ایجاد شرایطی بود که مسلمانان  
بتوانند زندگی بهتری داشته باشند. این دیدگاه سنتی که «تبات، با حفظ  
دین صحیح و عدالت تقسیم می‌شود»، به صورت گسترده مورد پذیرش  
مردم بود. در زمان به قدرت رسیدن سلجوقیان، نظریه‌ی سنتی خلافت،  
دیگر با عمل مطابقت نداشت. خلافت صرفاً به مقامی نمادین تبدیل شده  
بود که ارتباط با گذشته را حفظ می‌کرد. مفهوم سلطنت به عنوان نماینده‌ی  
قدرت خلیفه که به حاکم غیرروحانی تفویض می‌ش، در شرایط سیاسی آن  
دوران، به سختی قابل درک بود. در دوره‌ی سلجوقیان، حکومت و نهادهای  
حنیف دینی به هم نزدیکتر شدند، هر چند تقسیم کارکردی میان آن‌ها،  
دقیق‌تر از پیش تعریف شد. در این دوره، تمام امور دینی و دنیوی به سلطان  
مربوط می‌شدند.

روابط خلفای بغداد با سلاطین سلجوقی و ازدواج‌های صورت گرفته بین  
طرفین، ساخته شدن مدارس مذهبی توسط حاکمان سلجوقی و تأسیس  
اظهاریه‌ها در بغداد، موصل، هرات، دمشق، مر، بصره، نیشابور، امل و غزنه،  
ایجاد کتابخانه در این مدارس، سیستم جانشینی در حکومت سلطنتی  
سلجوقي، تقسیمات کشوری و نظام ارتباطات سلجوقی، تقسیم‌بندی های  
اداری امپراتوری سلجوقی، رفت و آمد طبقات مذهبی و دانشمندان به دربار،  
وظایف مقامات درباری، وظایف سلطان سلجوقی و انجام وظیفه‌ی او به  
عنوان یک قاضی و به مظالم نشستن او، وظیفه‌ی سلطان سلجوقی در  
دفاع از کشور و مردمش، اجزای تشکیل‌دهنده و سلاح‌های سپاه سلجوقی،

نفوذ سلجوقیان در دوران سلطنت ملکشاه تا  
شبه جزیره عربستان کشیده شد و ممانعت از  
ورود خلفای عباسی به امور دنیوی در عراق، در  
طول سلطنت ملکشاه نیز ادامه یافت

## سلجوقیان و ایلخانان

دبالله‌ی نهضت علمی و ادبی دوره‌ی عباسی است و اثرات شوم استیلای مغول ظاهر نشده، در تاریخ علم و حکمت و ادبیات ایران یکی از معترضین دوره‌هast است. (اقبال آشتیانی، ۱۳۶۴، ص ۴۷۹) بررسی تاریخ مغول ما را از علل پیدایش رویدادهای تاریخی آگاه می‌کند و نشان می‌دهد چه شد که چنگیزان به همراهی قومی بیانگرد بر سرزمین‌های وسیع تاختند و پس از شکست دادن لشگرها و اقوام بسیار، امپراتوری بزرگی ایجاد کردند که همانند آن، کمتر در تاریخ دیده شده است. (دستغیب، ۱۳۶۷، ص ۳۱)

در بخش اول از قسمت دوم کتاب، مؤلف ابتدا دلایل حمله‌ی مغول به ایران را نام می‌برد. وی نخستین بروخوردهای سلطان محمد خوارزمشاه با مغولان واقعه‌ی اتزار را ذکر می‌کند و از غارت شهرهای مختلف توسط مغولان سخن می‌گوید.

در دو میان بخش، چگونگی مقابله‌ی سلطان جلال الدین با مغولان و اقدامات او در بازیس‌گیری قلمروی خوارزمشاهیان بررسی می‌شود و اقدامات نظامی وی علیه گرجیان، مناسباً با خلیفه‌ی بغداد، تعقیب سلطان جلال الدین از طرف مغولان و کشته شدن او به دست کردها، مورد

و مقالات زیادی در مورد آن نوشته شده است. با توجه به اهمیتی که مغولان برای تاریخ نگاری قائل بودند، منابع دست اول زیادی از آن دوران بر جای مانده است که جامع التواریخ خواجه رشید الدین فضل الله همدانی و تاریخ چهانگشا تألیف عطاملک جوینی از جمله‌ی این منابع است.  
به نظر یکی از مورخان، دوره‌ی فرمانروایی ایلخانان مغول را می‌توان یکی از شگفت‌انگیزترین و پرتحرک‌ترین ادوار تاریخی ایران به شمار آورد. در این عهد، درخت فتوحات چنگیزی به بار می‌نشینند و برای بازماندگانش ثمری شیرین می‌دهد. ولی این ثمر، گلوگیر است و به دشواری می‌توان آن را بلعید. از این روست که در تمام دوره‌ی حکومت ایلخانی، پیوسته دو تلاش متقابل و خستگی‌ناپذیر از جانب حکومت و مردم مشاهده می‌شود؛ از یک سو، تلاش حکومت به منظور تحکیم هرچه بیشتر مبانی قدرت و قبولاندن آن به اتباع ایرانی و از سوی دیگر تلاش مردم در جهت کمر راست کردن و تجدید حیات ملی و فرهنگی خویش. (بیانی، ۱۳۷۹، ص ۱)  
در نظر برخی از مورخان با این که دوره‌ی مغول یکی از ناگوکارترین ادوار تاریخی ممالک اسلامی و به ویژه ایران محسوب می‌شود، اما از آنجا که





بر بهره کشی ظالمانه از جمعیت کارگر یکجانشین، هم توسط دولت و هم رهبری فنودال مرتبط با آن بوده است. میزان اجارهها و مالیات‌گیری نیز با تحول اقتصادی کشور، کاملاً بتناسب بوده است.

### نقد و تحلیل

این کتاب با ترجمه‌ی روان دکتر قادری، از بهترین تألیفات در مورد تاریخ میانه ایران است. نویسنده‌گان هر بخش از کتاب، در زمینه‌ی کار خود استاد بوده‌اند و تحقیق شایسته‌ای از خود به جای گذاشته‌اند. مؤلفان با استفاده از منابع دست اول و تحلیل‌های عالمانه توائیت‌هاند بهترین اطلاعات را در کمترین صفحات عرضه کنند.

از دیگر ویژگی‌های این کتاب، اوردن تاریخ اقتصادی، تاریخ اجتماعی، تاریخ فرهنگی و فضایی دوره‌های میانه تاریخ ایران، به ویژه دوره‌ی سلوچوقی است. مؤلفان کوشیده‌اند نظام زمین‌داری و اوضاع کشاورزی را به ویژه در عصر مغول به دقت مورد بررسی قرار دهند و نتایج حملات مغولان را با استفاده از منابع دست اول تاریخی و تحلیل‌های خود و اکاوی کنند. ایشان با حوصله‌ای کم‌نظیر منابع دست اول را با هم مقایسه کرده‌اند.

از دیگر نکات قوت کتاب حاضر، بررسی مسایلی جون شهر و شهرنشینی و ترکیب جمعیتی شهرها و مسائل مالیانی و شیوه‌ی اخذ آن در تاریخ میانه ایران است که در کمتر منعی به این دقت مورد بررسی قرار گرفته است. روابط خارجی و امدن سفر، به ویژه در عصر مغولان از دیگر مواردی است که به خوبی در مورد آن قلم‌فرسایی شده و از نخستین سفرای اروپایی که به دربار ایلخانان آمدند و یا بالعکس، به صورت مفصل مطالبی آورده شده است. این کتاب همچنین در مورد روابط خارجی مغول‌ها، به ویژه مناسبات آن‌ها با مصر و اردوی زرین، مطالب گرانبهایی دارد.

تقطیم و ارائه‌ی جداول مالیاتی با استفاده از منابع دست اول تاریخی در عصر ایلخانان، مباحث مربوط به ملل و نحل و پرداختن به جزئیات روابط خلافت بغداد با حکومت‌های سده‌های میانه در ایران و فراز و فروز این روابط، از دیگر ویژگی‌های این کتاب بالارزش است.

### منابع

- ۱- اشپول و دیگران (۱۳۸۰). تاریخ‌گاری در ایران. ترجمه‌ی بعقوب ازند. تهران: گستره.
- ۲- اقبال اشتئانی، عباس (۱۳۶۴). تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت صفوی. تهران: امرکیر.
- ۳- بانی، شیرین (۱۳۷۹). مغولان و حکومت ایلخانی در ایران. تهران: سمت.
- ۴- تاریخ ایران کمپریج، جلد پنجم، قسمت اول (۱۳۸۹). سلوچوقیان، ویراسته‌ی جی. ا. بوبل. تهران: مهتاب.
- ۵- تاریخ ایران کمپریج، جلد پنجم قسمت دوم (۱۳۸۹). مغولان. ویراسته‌ی جی. ا. بوبل. تهران: مهتاب.
- ۶- دستیاب، عبدالعلی (۱۳۶۷). هجوم اردوی مغول به ایران. تهران: علم.
- ۷- لمبن، آن (۱۳۷۲). تادوم تحول در تاریخ میانه ایران. ترجمه‌ی بعقوب ازند. تهران: نی.
- ۸- لمبنون، آن. ک. س. (۱۳۶۳). سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام. ترجمه‌ی بعقوب ازند. تهران: امیرکیر.
- ۹- مورگان، دیوید (۱۳۷۴). ایران در سده‌های میانه. ترجمه‌ی فرج جوامردیان. تهران: فرهنگ.
- ۱۰- مورگان، دیوید (۱۳۷۳). ایران در قرون وسطی. ترجمه‌ی عباس مختار. تهران: طرح نو.

بحث و واکاوی قرار می‌گیرد.

در ادامه، حکومت والیان مغول و به ویژه هولاکو خان مطرح شده است. فرامین هولاکو در وهله‌ی اول، مبتنی بر نابودی اسماعیلیان و تخریب قلاعشان بود. سپس سرکوب کردها و لرها را مدنظر داشت و به خلیفه نیز در صورت امتناع از اعلام حمایت و فداداری، باید حمله می‌شد. هولاکو در ۸ فوریه ۱۲۶۵ م. در استقرارگاه مسنانی در جعتو (زرینه‌رود کنونی) در ۴۹ سالگی چشم از جهان فرویست. وی با نابود ساختن دستگاه خلافت عباسی و حریفان اسماعیلی، فتوحات مغول را تا سواحل مدیترانه گسترش داد و برای جانشینانش حکومتی باقی گذاشت که وسعت آن، بخش اعظمی از خاورمیانه امروزی را در بر می‌گرفت.

«دوران سلطنت اباقا و اقدامات او در قلمروی ایلخانان» از دیگر مباحث این بخش است. هولاکو و اباقا دو چهره‌ی مهم در تاریخ آسیا بودند و با دوراندیشی، بخش عظیمی از یک امپراتوری وسیع را به تسخیر درآورند و بر آن حکم رانند.

در بخش «حکومت ارغون»، اوضاع سیاسی دوره‌ی وی، روابط او با شاهان اروپایی، و فرستادن هیات‌های سفارت از طرف ارغون به اروپا مورد بررسی قرار می‌گیرد. ارغون آخرین ایلخانی بود که پیکرش مطابق با رمز و راز سنتی، بر روی لبه‌ی یک کوه، در تندیکی سوجاس نهاده شد.

در ادامه در یکی دیگر از بخش‌ها، دوران حکومت غازان خان بررسی شده است. وقتی غازان به پشت دروازه‌های تبریز رسید، اولین فرمان حکومت جدید اسلامی در داخل شهر به اجرا درآمده بود، یعنی مقدار بود تمامی کلیساها، کیسنهای معادل بودایی در این شهر و همین طور در بغداد و سراسر قلمروی ایلخانان ویران شوند. غازان در ۳ نوامبر ۱۲۹۵ م. تاجگذاری کرد و به عنوان یک فرمانروای مسلمان، نام محمود و لقب سلطان را برای خود برگزید. وی بدون تردید بزرگ‌ترین ایلخان بود، مردمی که با معیارهای هر عصری از تاریخ، فوق العاده باستعداد شمرده می‌شود.

در ادامه، وقایع دوران حکومت الجایتو و مناسبات او با وزیرش (سعدالدین ساووجی) شرح داده شده است. سپس حکومت ابوسعید، آخرین ایلخان بررسی شده، کسی که نه فاسد بود و نه ناتوان، با مرگ او خاندان هولاکو عملاً منقرض شد.

بخش دوم از قسمت دوم کتاب، در مورد اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران در زمان ایلخانان است. نویسنده پس از توضیح پیامدهای حمله‌ی مغول، گرایشات سیاسی - اجتماعی ایلخانان را مورد بررسی قرار می‌دهد.

اصلاحات غازان، پیامدهای آن و اوضاع کشاورزی در اوخر دوره‌ی ایلخانی، شهر در قرن چهاردهم و فراز و فروز شهرهای ایرانی همزمان با حمله‌ی مغول و در عصر ایلخانان، از دیگر مباحث این بخش است که نویسنده با استفاده از منابع دست اول، به توصیف و تحلیل آن‌ها می‌پردازد.

در ادامه، روابط فنودالی، طبقات زمیندار و وضعیت زارعان (عایا) در زمان ایلخانان و اکاوی شده‌اند و مؤلف به صورت مفصل به شیوه‌ی زمینداری، مستله‌ی اقطاع و نقش زارعان می‌پردازد.

نظم مالی - مالیاتی در زمان ایلخانان مبحث پایانی این فصل از کتاب است. نظام مالی - مالیاتی، همانند نظام حکومتی مغول، تلقیقی ناصفول و ذاتاً متناقض از روش‌هایی معمول شده از سوی فاتحان چادرنشین و سنت ایران باستان بود. بی تردید، نظام مالیات و خدمات در حکومت ایلخانی، مبتنی